



Investigating the Dimensions of Monotheism among Wahhabism and Shia in the Context of the Quranic Thoughts of Allameh Javadi Amoli

Mehdi Zandi* 

Professor, Seminary Specialized Center for Shia Studies, Qom, Iran

Abstract


In most of the works that are devoted to the criticism of Wahhabism, those acts of Muslims which are considered as examples of polytheism according to Wahhabis have been examined. Although the criticisms raised in this way show the wrong image of Wahhabis about the beliefs of other Muslims, what is necessary is to criticize the fundamentals of Wahhabi thought. Since the main axes of Wahhabi thinking are: Tawheed al-uloohiyyah (oneness of divinity, which is oneness of worship) and Tawheed ar-ruboobiyyah (oneness of divine Lordship) and the definition of worship, therefore, criticizing their approach in these cases is a priority. In the works of Allameh Javadi Amoli, attention has been paid to the criticism of the principles of the Wahhabi approach, which is discussed in this article. According to this research, Wahhabism in explaining Tawheed al-uloohiyyah and Tawheed ar-ruboobiyyah, criteria and the border between divine monotheism and divine polytheism, definition of worship, connection between Tawheed al-uloohiyyah and Tawheed ar-ruboobiyyah, and disregarding the condition of independence, has deviations that make their intellectual system non-monotheistic.

Keywords: Javadi Amoli, Tawheed Al-Uloohiyyah, Tawheed Ar-Ruboobiyyah, Divine Polytheism, Wahhabism.

*Corresponding Author: mm.zandiy@gmail.com

How to Cite: Zandi, M. (2023). Investigating the Dimensions of Monotheism among Wahhabism and Shia in the Context of the Quranic Thoughts of Allameh Javadi Amoli. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 4 (7). 283-303. DOI: 10.22054/jcst.2024.77447.1145

بررسی ابعاد توحید نزد وهابیت و شیعه در بستر اندیشه‌های قرآنی علامه جوادی آملی

مهدی زندی *  استاد مرکز تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه قم، قم، ایران

چکیده

در بیشتر آثاری که به نقد وهابیت اختصاص دارند، آن دسته از اعمال مسلمانان که از نظر وهابیان مصداق شرک محسوب می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گرچه نقدهایی که به این صورت مطرح شده‌اند، تصویر نادرست وهابیان از اعتقادات سایر مسلمانان را نشان می‌دهند؛ اما آنچه ضروری است نقد مبانی اندیشه وهابیت است. از آنجایی که محورهای اصلی تفکر وهابیت عبارت‌اند از: توحید ربوبی، توحید الوهی و تعریف عبادت، بنابراین نقد رویکرد آنان در این موارد در اولویت قرار دارد. در آثار علامه جوادی آملی، به نقد مبانی رویکرد وهابیت توجه شده است که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است. بر اساس این تحقیق وهابیت در تبیین توحید ربوبی و الوهی، معیار و مرز بین توحید ربوبی و شرک ربوبی، تعریف عبادت، ارتباط توحید ربوبی و الوهی و عدم توجه به قید استقلال، دارای انحرافات است که منظومه فکری آنان را غیر توحیدی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: جوادی آملی، توحید ربوبی، توحید الوهی، شرک ربوبی، شرک الوهی، وهابیت.

مقدمه

اندیشمندان و صاحب‌نظران بسیاری در نقد وهابیت آثار و تألیفاتی داشته‌اند. روش‌شناسی این آثار نشان از تفاوت‌های جدی در نقد وهابیت دارد. برخی آثار بر نقد مصادیق شرک انگاری وهابیت مانند استغاثه و توسل به میت و غیره استناد کرده‌اند؛ اما برخی بر محور اندیشه وهابیت که تلقی آن‌ها از توحید ربوبی و توحید الوهی است پرداخته و با تبیین اشکال وهابیت در توحید آن را به چالش کشیده است.

در پژوهش‌های مربوط به نقد وهابیت، در بیشتر موارد بر مصادیق اختلافی بین وهابیت و دیگر مذاهب تمرکز شده است که از آن میان می‌توان به کتاب «تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت» نگاشته سیدمهدی علی‌زاده موسوی، «آیین وهابیت» جعفر سبحانی، «مبانی اعتقادی وهابیت» مهدی رضوانی و «وهابیان را بهتر بشناسیم» اثر مهدی رضوانی اشاره کرد. با وجود اینکه در پژوهش‌های مذکور، شرک انگاری برخی اعمال و مناسک اسلامی در نگاه وهابیت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؛ اما به نقد مبانی اندیشه این فرقه پرداخته نشده است. آنچه در این مقاله صورت گرفته است، نقد محورهای اصلی تفکر وهابیان بر اساس آثار علامه جوادی آملی است که برای اولین بار در این نوشتار ارائه شده است.

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه در اندیشه علامه جوادی آملی و بر اساس تفسیر او از توحید، چه نقدهایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر محور اندیشه وهابیت وارد می‌شود؟ آیا تفسیر و تبیین علامه جوادی از توحید ربوبی، الوهی و... ساختار اندیشه وهابیت را برهم می‌زند و بر اساس آن می‌توان منظومه فکری وهابیت را غیرتوحیدی و غیراسلامی دانست؟

ماهیت وهابیت در اندیشه علامه جوادی آملی

فکر وهابیت به دلیل اشکالات زیادی که بر آن وارد است، همیشه مورد انتقاد و رد اندیشمندان جهان اسلام قرار گرفته است. تا جایی که امروزه فکر وهابیت در تلقی عمومی جهان اسلام خارج از منظومه فکر اسلامی و توحیدی محسوب می‌شود (رج: صاوی،

احمد بن محمد، ۱۴۲۷ ق: ۷۸ و ر.ج: ابن عابدین، محمد امین، ۱۴۱۵: ۲۶۲/۴). از آنجا که موضوع این مقاله اندیشه‌های استاد جوادی آملی است و ایشان شبهه شناس متضلع و اندیشمند ذوفنونی است، این موضوع در آثار ایشان نیز به خوبی مشهود است. مثلاً از برخی سخنان ایشان غیر اسلامی بودن فکر وهابیت به خوبی دیده می‌شود. از برخی دیگر از سخنان ایشان حتی شرکی بودن فکر وهابیت دیده می‌شود (ر.ج: جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۱۴۰).

از نظر ایشان هرگاه یک حرکت اعتقادی توحیدی در جامعه وجود داشته است، در مقابل آن دین تراشی باهدف مخدوش کردن آن اندیشه به وجود آمده است. اسلام نیز در هر دو نسخه شیعه و سنی آن از این آفت محفوظ نبوده است. «هرزمانی که خداوند پیامبری را فرستاد و دینی ارائه داد، در کنار او عالمان غیرمهدب و دین فروش پیدا شدند و مذهب تراشی و دین پراکنی کردند و بدعت‌هایی مانند «وهابیت» و «بهائیت» را بنا نهادند» (جوادی ۱۳۸۷ الف: ۴۲۱/۱۰) و یا اینکه می‌نویسد: «نمونه تحریف ادیان، بهائیت در عالم شیعه و وهابیت در دنیای تسنن، نمونه‌های مذهب تراشی است» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹: ۲۶۱).

تشبیه وهابیت به بهائیت که یک تفکر غیر اسلامی و به تصریح تمامی علماء در تمام مذاهب اسلامی اندیشه‌ای کفری است، نشان از نگاه علامه به وهابیت دارد و این که ایشان وهابیت را نیز از فکر اسلامی خارج می‌داند. این موضوعی است که بازهم در تعابیر علامه دیده می‌شود. وی معتقد است همه مکتب‌ها و مذاهب غیر الهی، هم چون وهابیت و بهائیت، ساخته و بافته عالمان ریاست طلب است، چون مردم عادی، نه توان مذهب سازی دارند و نه دیگران از آن‌ها می‌پذیرند. از این رو، عالمان دین و حاملان کتاب باید مواظب باشند که از روی علم و عمد به خطر بزرگ مذهب تراشی مبتلا نشوند (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲: ۹۶۲). بر این اساس تفکر وهابیت تفکری خارج از چاقوبه اندیشه اسلامی و مذهب تراشی بدعی است.

این البته تمام ماهیت وهابیت نزد علامه نیست. ایشان در جایی دیگر به انحراف وهابیت در توحید و مشرکانه بودن این اندیشه اشاره می‌کنند و می‌نویسد: «وجود مبارک

ابراهیم (علیه السلام) این بنا (کعبه) را به دستور خدا ساخت تا وحدانیت و احدیت خدای سبحان را تثبیت کند اولاً، منادی این ندای وحدت باشد ثانیاً، مهمانان را که «ضیوف الرحمن» هستند، به این سرزمین دعوت کند ثالثاً تا جهان اسلام از شرک و هابیت و امثال آن نجات پیدا کند...» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ ب: ص ۳۱۴) استاد با استناد به آیه شریفه «ان الذین یکتُمون ما انزل الله من الکتب ویشرون به ثمناً قلیلاً اولئک ما یأکلون فی بطنونهم الا النار» (بقره/۱۷۴) و هابیت را گروهی به مانند سردمداران عقیده کفر «وقود النار» می داند و آن‌ها جز آتش چیزی نمی خورند. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، ۱۴۰) بنابراین اندیشه و هابیت در نظر علامه جوادی آملی فکری است که دارای چند ویژگی می باشد، اولاً اندیشه‌ای انحرافی است، ثانیاً از فرق و گروه‌های اسلامی به حساب نمی آید، ثالثاً خود اندیشه‌ای مشرکانه و کافرانه است.

به نظر می رسد شرکی بودن فکر و هابیت که مورد تأکید علامه بود مبتنی بر منظومه توحیدی_قرآنی ایشان و نوعی پروسه و برهان لمی دانست؛ یعنی با وجود حقیقت توحید و معرفت معیار درست توحید، به عنوان علت موحد بودن، لوازم آن که همان شناخت مرز بین شرک و کفر نیز معلوم و موجود است و می توان با آن هر اندیشه مغایر با توحید را شناسایی کرد. در حقیقت ما از شناخت صحیح توحید به شناخت توحید ناصواب که همان شرک باشد می رسیم و دلیل این را که چرا ایشان و هابیت را تفکری مشرکانه می داند باید در تبیین صحیح ایشان از توحید جستجو کرد.

حال اگر این روشی لمی و تأکید بر کبری شبهه در نقد و هابیت را برگزینیم و جایگزین روش متداول کنیم، تمامی شبهات و هابیت در مناسک و اعمال و فرائض دینی اسلامی پاسخ داده شده و ما از کبری مسئله به راحتی جزئیات را حل خواهیم کرد. از این رو است که ایشان برای تبیین حقیقت شرک و هابیت به نقض ملاک ایشان اشاره می کنند در اندیشه استاد جوادی آملی معیار جواز یا عدم جواز عمل یا شرک بودن آن قرآن کریم و سنت قطعی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و نمی توان به استناد روایات گروهی یا اعتقادات فرقه‌ای - آن‌هم فرقه بی قدری چون و هابیت - گروه‌های بزرگی از شیعه و سنی را

توهین یا تکفیر کرد و عملشان را شرک دانست. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۳۶/۳۶۷)

از این سخن علامه چند استفاده می‌توان داشت.

اولاً فهم وهابیت از معیار شرکی و غیر شرکی بودن عمل ناصواب است. وقتی فرقه‌ای معیار شرک و توحید را نداند پس آن فکر خواهی و نخواهی در وادی شرک افتاده است. ثانیاً ایشان به تفاوت فهم اهل سنت و وهابیت در مورد شرکی و غیر شرکی بودن یک عمل اعتقاد دارد.

به نظر می‌رسد در نگاه عمیق علامه به موضوعات دینی و برداشت ایشان نسبت به توحید به گونه‌ای است که توحید و تبیین وهابیت از توحید را نه تنها صحیح نمی‌بیند بلکه آن را غیر اسلامی می‌داند. اگر تبیین وهابیت از توحید شامل موضوعاتی مانند تعریف ربوبیت، تعریف عبادت، ماهیت شرک مشرکین و... را بر تبیین متکی بر شاخصه‌های توحیدی در اندیشه علامه عرضه کنیم، غیر توحیدی بودن دیدگاه وهابیت به خوبی قابل تبیین و شالوده و ساختار اندیشه وهابیت فرومی‌ریزد؛ بنابراین تعبیر شرکی بودن وهابیت و فکر وهابیت نزد علامه آملی دارای مبنای کلامی و تحلیلی است که مبتنی بر برداشت‌های ایشان از قرآن و سنت است. چنانچه ایشان تأکید می‌کنند بر این که وهابیت را باید فهمید و سپس با اصول قرآنی آن را طرد کرد. توحید آن گونه است که خدای متعال به موحدان شناسانده است... قرآن و سنت یگانه مرجع برای رد وهابیت‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

حال اگر تعریف علامه جوادی بر تعریف توحید ربوبی و حقیقت شرک مشرکین در زمان انبیاء و تعریف عبادت در مقایسه تطبیقی با تبیین وهابیت قرار بگیرد به نتیجه مدنظر برسیم. بر این اساس ما نیاز به سه بخش بررسی تطبیقی و تبیینی داریم که در پیش خواهد آمد.

۱. تبیین وهابیت از توحید و شرک

وهابیت فرقه‌ای است که بر اساس تفکرات محمد بن عبدالوهاب شکل گرفت. (ر.ج: امین،

سید محسن، ۱۳۸۲: ۳) امری که تمامی محققان در عرضه نقد وهابیت آن را پذیرفته‌اند. (ر.ج: مشکور، محمدجواد، ۱۳۸۷: ۴۵۷) ویژگی بنیادی مذهب وهابی، بر تلقی آن‌ها از توحید و شرک استوار است. (سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴: ۵۴) برای تبیین نظر وهابیت می‌توان موضوعاتی مانند توحید ربوبیت، توحید الوهی و تعریف عبادت، رابطه الوهیت و ربوبیت و توحید اسماء و صفات را در نظر وهابیت بیان کرد.

۱-۱. توحید ربوبی

وهابیت توحید ربوبی را به افراد الله در خالقیت، مالکیت و تدبیر تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر در بیشتر تعاریف وهابیان از توحید ربوبی، مجرد سه عنوان خالقیت، مالکیت و تدبیر به عنوان خصائص خداوند متعال در حوزه ربوبیت مورد تأکید قرار گرفته است. (التمیمی، عبدالرحمن بن عبدالوهاب، ۱۴۱۲: ۹۱) عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب در تعریف توحید ربوبی نوشته است: «توحید ربوبیت، در حقیقت علم و اقرار به اینکه خداوند رب همه چیز و مالک همه چیز و مدبر همه امور خلق است» (همو، ۱۴۱۲: ۹۲).

بن باز در تعریف توحید ربوبی نوشته است: «توحید ربوبیت، تنها دانستن خداوند در خالقیت است» (بن باز، عبدالعزیز؛ عثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۱۳: ۴) محمد بن صالح العثیمین در تعریف توحید ربوبی نوشته است: «توحید ربوبی تنها دانستن خداوند در خلق و ملک و تدبیر است» (عثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۲۴ الف: ۱۰) بن عثیمین در جای دیگر همین سه موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که توحید ربوبیت همانا تنها دانستن الله در خلق و ملک و تدبیر است (ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۱۴/۸).

البته در سایر تعاریف وهابیان از توحید ربوبی، علاوه بر خلق و ملک و تدبیر، عناوین دیگری هم برشمرده شده است که آن عناوین و امور همگی از شئون تدبیر است. به عنوان مثال محمد بن عبدالوهاب، پس از ذکر خالقیت، عناوین اعطای رزق، إحياء، إمامته را هم آورده است (محمد بن عبدالوهاب، بی‌تا الف: ۱۴۵ و ۱۵۰).

تقریر وهابیت از مرز میان توحید ربوبی و شرک ربوبی، بر استقلالیت و اذن رب

متوقف نیست (ر.ک: فوزان، بن صالح، ۱۴۲۲: ۱۵ و ر.ک: محمد بن عبدالوهاب، بیتا الف: ۱۱/۶). به عبارتی مشرک کسی است که این امور را فقط برای الله تعالی بداند و بین مستقل و مأذون بودن در این شئون و عدم اذن فرقی قائل نیست. این در حالی است که بر اساس محکومات قرآن مرز میان توحید و شرک مبتنی بر اعتقاد فرد به عدم استقلال مخلوق و نیازمندی اش به اذن خداوند متعال است؛ مانند آیه شریفه «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرِيءُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران_۴۳) که خلق و برخی شئون ربوبی را با اذن الهی به غیر خداوند داده است.

بر این اساس وهابیت هر نوع اعتقاد به امکان تصرف غیر خداوند در هستی و سماع موتی و رفع حاجات را نشان‌دهنده شرک ربوبی می‌دانند که در نتیجه آن شخص نیز مشرک می‌شود. محمد بن عبدالوهاب معتقد است از اموری که عام البلوی شده است شرک و رزیدن به خداوند و توجه به مردگان و درخواست کمک ایشان بر دشمنان و برطرف شدن حوائج و نجات از گرفتاری‌ها که غیر از رب آسمان و زمین بر آن کارها قادر نیست. (محمد بن عبدالوهاب، بیتا الف: ۶۸) صالح بن فوزان نیز در تعریف مرز بین شرک و توحید می‌گوید: «همسان انگاری غیر خدا با خداوند از خصائص الله است» (صالح فوزان، ۱۴۲۲: ۱۵) و چون مثلاً، احياء، اماته، شفا و حتی خلق (مطلقاً با اذن و بدون اذن) را مخصوص خدا می‌داند هر نوع اشراکی در آن‌ها را شرک ربوبی می‌داند؛ و یا اینکه آل‌الشیخ معتقد است به درستی شرک طلب و درخواست از غیر الله آن چیزی است که غیر خداوند بر آن قادر نیست. (عبد اللطیف بن عبدالرحمن بن حسن آل‌الشیخ، ۱۴۲۴: ۳۰/۳۹۰)

۱-۲. توحید الوهی

از طرفی در تقریر وهابیت از مفهوم عبادت اعتقاد به ربوبیت معبود لازم نیست (ر.ک: عبدالوهاب محمد، ۱۳۹۶: ۸/۱۳). درحالی‌که در اندیشه اسلامی بدون اعتقاد به ربوبیت معبود، عبادت قابل تحقق نیست. خطایی که موجب شرک‌انگاری بسیاری از مسلمانان است.

بنابراین تقریر وهابیت از مفهوم عبادت نیز مخصوص ایشان است. محمد بن عبدالوهاب عبادت را نهایت خضوع و تذلل و نهایت حب به کسی که این کار را برای او انجام می‌دهد تعریف کرده است (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۰۱: ۷). همان‌طور که مصداق یابی آن نیز مخصوص خود آنان است.

بنابراین تعریف که وهابیان از «عبادت» ارائه می‌دهند، عبادت آن‌چنان وسیع و گسترده است که هرگونه تعظیم و تقدیسی را شامل می‌شود. از این‌رو، معتقدند که مسلمانان با تقدیس برخی افراد یا مکان‌ها و حتی تعظیم قبور پیامبر و ائمه علیهم‌السلام در واقع آنان را عبادت می‌کنند. (ر.ک: الدویش أحمد بن عبدالرزاق، ۱۴۱۴: ۳۳۴/۱) لذا لجنه فتاوی وهابیت این‌گونه فتوی داده است. «هر کس به رسالت نبی ما محمد صلی‌الله علیه و آله و آنچه وی آورده است ایمان داشته باشد، هرگاه بعد از این ایمانش برای غیر الله مانند ولی یا صاحب‌قبری یا شیخ طائفه‌ای سجده کند، کافر محسوب می‌شود و از اسلام مرتد شده است و مشرک در عبادت است هرچند در سجده شهادتین را بگوید» (الدویش أحمد بن عبدالرزاق، ۱۴۱۴: ۳۳۴/۱)

۲. تبیین اشکالات وهابیت در توحید در اندیشه علامه جوادی

این بیان مختصر از تلقی وهابیت از توحید ربوبی و مرز میان توحید و شرک و مفهوم عبادت است. با عرضه آن به کلام علامه جوادی آملی نقائص و ایرادات آن در منظومه فکری ایشان متجلی می‌شود. تلاش می‌کنیم با استناد به کلمات ایشان این مهم را محقق کنیم.

۲-۱. اشکالات وهابیت مربوط به توحید ربوبی

با توجه به اندیشه‌های علامه جوادی آملی می‌توان بر اندیشه وهابیت اشکالات فراوانی را وارد کرد. گفته شد که وهابیت مشرکین را دارای توحید ربوبی می‌دانند این امر در نظر علامه مردود است. ایشان می‌فرمایند «مهم‌ترین مشکل مشرکان مکه اعتقاد به ربوبیت ارباب متفرق بود» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۷۰/۲۵) علامه جوادی آملی نگاه وهابیت

درباره شرک مشرکین را تخطئه می‌کند و معتقد است که مشکل مشرکین هم به توحید ربوبی و هم به توحید الوهی برگشت دارد. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «مشرکان در دو جناح (توحید ربوبی و توحید الوهی (عبادی) با وحی و نبوت درگیر بودند؛ هر چند درگیری در جناح دوم (توحید الوهی (عبادی) محصول همان مبارزه در جناح نخست (توحید ربوبی) بود؛ یعنی چون در توحید ربوبی مشرک بودند، در توحید عبادی نیز شرک می‌ورزیدند و معبودهای سنگی و چوبی را می‌پرستیدند، از این رو قرآن کریم نخست توحید ربوبی را ثابت می‌کند که «ربّ العالمین» و «ربّ کلّ شیء» خداست و بس و چون عبادت تنها برای ربّ حقیقی است، معبودی جز او نیست و باید همه کارها را به وی سپرد و به سویش بازگشت» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۵۰۸/۴۲)، بر این اساس وهابیت در فهم مرز توحید و شرک دچار مشکل هستند.

از طرفی وهابیت بر اساس آن که شرک مشرکین را ناشی از شرک ربوبی نمی‌داند و مشکل آنان را تنها شرک الوهی می‌پندارد دچار موارد نقض بسیار می‌شود. وهابیت مجبور است بین شرک اقوام مختلف مشرکین مانند اهل کتاب مسیحیت و یهود و یا اقوام مختلف و مشرکین جاهلیت فرق و تفاوت قائل شود چراکه نقض توحید ربوبی و تدبیر در آنها جای شک ندارد مثلاً اقوام گذشته برای الله فرزند قائل بودند و یا تدبیر بخشی از زندگی را متعلق به برخی بت‌ها نسبت می‌دادند.

تیین علامه از ماهیت شرک مشرکین این موضوع را رد می‌کند. از نظر ایشان مشرکان، اعم از اهل کتاب و دیگران، در اصل شرک و قصور در توحید الوهی و توحید ربوبی همسان بودند و تفاوت آنان در قلّت و کثرت آلهه دروغینی بود که بدان معتقد بودند؛ مشرکان حجاز به تعدد آلهه و ارباب متفرق، یهودیان به تثنیه و مسیحیان به تثلیث مبتلا بودند، از این رو قرآن کریم در بسیاری از مواردی که سخن از توحید است، اهل کتاب مبتلای به تثنیه، تثلیث و مانند آن را در کنار مشرکان ذکر می‌کند گرچه قبح برخی از اشراک‌ها بیش از قبح اشراک دیگر است و این مطلب از مسائل حکمت عملی است (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۱۴۵/۸).

نه تنها مشرکین و مؤمنین در شرک ربوبی اختلاف داشتند، بلکه یکی از اساسی‌ترین

اختلافات مشرکان با مؤمنان وحدانیت الهی در ربوبیت بوده است. امری که ستاد به آن اشاره کرده است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَمْ يَلْبَسُوا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ... متعلق «ایمان» در «الَّذِينَ آمَنُوا» ربوبیت خدای سبحان است؛ نه اصل وجود صانع و خالقیت او، زیرا مؤمنان و مشرکان خدا را به خالق بودن قبول داشتند و اختلافشان درباره توحید ربوبی او بود، مؤمنان تدبیر همه امور و هدایت بشر و نفع و ضرر را تنها به دست خدا و مشرکان بت‌ها را هم سهیم می‌دانستند و با هدف دستیابی به هدایت و امنیت و قربت نزد خدا، آن‌ها را می‌پرستیدند»: «لِيُقَرَّبُونَا اِلَى اللّٰهِ زُلْفَى» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۱۸۷/۲۶).

معیار شناسی در تعیین مرز توحید و شرک اشکال جدی دیگری است که به اندیشه وهابیت وارد می‌شود. در حالی که در اندیشه وهابیت معیار استقلال و عدم استقلال مورد غفلت بود در توحید و شرک نمی‌دانست. ایشان در موارد متعددی به این معیار به‌عنوان معیار قطعی و صحیح در تشخیص رب از غیر رب تأکید می‌کنند. ایشان می‌نویسند: «این حرف... از رسوبات تفکر وهابیت است، چون اعتقاد به شفاعت بالاستقلال با شفاعت به «اذن الله» تفاوت دارد: اولی از منظر حکمت نظری محال و از دیدگاه حکمت عملی شرک و حرام است و دومی، هماهنگ با توحید» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۶۰۴/۲). پس استقلال و عدم استقلال معیار در شناخت رب است نه قدرت و عدم قدرت و یا معیارهای دیگر. شناخت صحیح از عالم به ما نشان می‌دهد برخی امور خارق عادت از برخی موجودات سر میزند. حال علم و اذعان به آن با توحید ربوبی منافاتی دارد. تنها در صورتی منافات وجود دارد که آن را از جانب شخص مستقل بدانیم و عامل اصلی آن را غیر الله بپنداریم.

علامه جوادی در مورد معیار بودن استقلال در توحید ربوبی با کلیدواژه ذاتی و عرضی معتقد است آنچه برای خداوند بالاصالة و الاستقلال ثابت است، برای خلفای راستین او به صورت فرع و به نحو عرض و تبعی، موجود است؛ مگر آنچه ویژه حضرت ربوبی باشد (ادب فنای مقربان، ج ۲، ص ۷۱). در معرفت‌شناسی توحیدی علامه آملی هر آنچه الله تعالی از قدرت دارند ممکن است به اذن الهی در هستی دیگری موجود باشد اما این قدرت ذاتی نیست. عرضی و بالتبع حقیقت الهی است. همانند خلق پرنده توسط حضرت

مسیح که به اذن الهی ممکن و وی متصف به صفت خالقیت شده بود. لذا در نظر استاد انتساب معجزات به پیامبران و اولیا هیچ تعارضی با توحید ذاتی، صفاتی و افعالی ندارد؛ زیرا انبیا همچون دیگر ممکنات، در اصل وجود و هستی، فقر و ربط محض به خدا بوده، در هیچ فعل و صفتی مستقل و بی‌نیاز از او نیستند؛ بلکه همه اوصاف و افعالشان (افعال عادی یا خارق عادت و اعجازی) نمود و ظهور صفات حق تبارک و تعالی است (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ الف: ۷۲).

اندیشه توحیدی اصیل در شیعه با تبیین دقیق ملاک بودن استقلالیت برای مرز بین توحید و شرک ربوبی آن را تنها راه نجات از شرک می‌داند بر این اساس جوادی آملی معتقد است آنچه در دعای شریف جوشن کبیر برای خداوند یاد شده است، به صورت استخلاف در زیارت جامعه کبیره، برای خلیفه‌های راستین او ثابت شده است. البته احکام ویژه و جوب ذاتی برای خدا و امکان فقری و هویتی برای ماسوی، همچنان محفوظ است (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹: ۷۱/۲).

بنابراین استقلال به‌عنوان ملاک در تبیین توحید ربوبی همیشه مدنظر است و اتفاقاتی مانند معجزات نیز بر همین اساس توصیف می‌شوند. در نهایت ایشان در نقدی صریح و بی‌پرده و باصراحت در ضمن نقد توحید وهابیت و اتهام مدعی توحید بودن آن‌ها موضوع استقلالیت را به صورت دقیقی تبیین می‌کند.

موضوعی که معیار وهابیت در تشریک و سپس تکفیر بود تسویه خداوند با دیگر مخلوقات در امور ما لایقدر بود که به آن اشاره شد. به نظر این مهم باید موردنقد جدی قرار بگیرد. در تبیین استاد به این نکته توجه شده است؛ و ایشان اصل مسئله تسویه را به خوبی به‌عنوان اشکال وهابیت فهمیده است. ایشان معتقدند که چون وهابیت می‌پندارند انتساب معجزاتی همچون زنده کردن مردگان و شفای بیماری‌های بی‌درمان از اموری هستند که تنها خداوند قادر بر آن‌هاست و انتساب این موارد به هرکسی جز خدا حتی پیامبران اولوالعزم به معنای شرک در الوهیت و ربوبیت است؛ زیرا اگر پیامبران واقعاً چنین کارهایی انجام داده باشند، لازم می‌آید خالقیت و رازقیت و دیگر صفات کمالی خداوند

مخصوص او نباشد؛ بلکه انسان‌ها نیز در این صفات با خدای سبحان شریک باشند (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ الف: ۷۲).

این در حالی است که خدای سبحان به اقتضای اسم ظاهر، صفات فعلی خود مانند خلق، رزق، شفا، احیا و اماتة را در جهان از طریق مظاهر تام اسمای کمالی خود (پیامبران و اولیای الهی) اظهار می‌کند و ایشان مظاهر حق‌اند و چیزی از جانب خود ندارند و معجزاتشان نیز ظهور اسمای فعلی خدا و درگرو اذن و فرمان او، آن‌هم برای اتمام حجت و ابلاغ رسالت است. لذا هیچ دلیلی ندارد که باوجود آیات فراوانی از قرآن کریم که گویای تحقق این معجزات به دست انبیای والامقام است، همه این آیات روشن را به مذاق پیروان تفکر افراطی وهابیت، تأویل و توجیه کنیم و بگوییم هیچ‌یک از این معجزات در خارج محقق نشده‌اند؛ بلکه تنها وعده انجام آن‌ها داده شده است! (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ الف: ۷۲).

در اندیشه علامه هر حکمی از احکام الهی ابزاری برای تحقق عبودیت و بندگی است. نماز و توسل هر کدام معیار اثبات بندگی است؛ و چون هیچ‌یک مؤثر مستقل نیست و مؤثر بالذات نیست با امر الهی تأثیرگذار است، پس با یکدیگر در منظومه توحیدی اسلامی فرقی ندارد؛ و اگر فرقه‌ای بین این دو تفاوت ماهوی قائل شود در حقیقت نوعی انحراف از دین داشته است. لذا ایشان می‌نویسند:

«هر یک از احکام الهی ابزاری برای تحقق عبودیت و بندگی است، در روایات اموری مانند ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جهاد در راه خدا، کلمه اخلاص، اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان، حج و عمره، صلّه رحم، صدقه پنهانی، صدقه آشکار و کارهای نیک و سیله نام گرفته است. یکی از این وسایل و وسایط، محبت اهل بیت (علیهم السلام) است... قدر مشترک همه این‌ها این است که هیچ‌یک منشأ بالذات نیست و تأثیر استقلال ندارد، از این رو نه توسّل به نماز، روزه، حج، عمره، صدقه با توحید ناب منافاتی دارد؛ نه توسّل به ائمه (علیهم السلام)». (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۳۶/۳۶).

ربوبیت در اندیشه اسلامی مبتنی بر دو مؤلفه است. اول غیر الله در هیچ امری از امور

به صورت مطلق، چه ساده، چه پیچیده و خارق عادت مستقل نیست. دوم این که اعتقاد به مؤثر بودن غیر خداوند در مواردی مانند استغاثه و توسل نیز مبتنی بر اجازه خالق و رب حقیقی است. لذا این نکته نیز مورد دقت علامه بوده است؛ «آری! شاید کسی این گونه روایات را نپذیرد و حجیت آن‌ها را برای اثبات وسیله بودن کافی نداند؛ لیکن... معیار جواز یا عدم جواز عمل یا شرک بودن آن قرآن کریم و سنت قطعی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ و نمی توان به استناد روایات گروهی یا اعتقادات فرقه‌ای - آن‌هم فرقه بی قدری چون وهابیت - گروه‌های بزرگی از شیعه و سنی را توهین یا تکفیر کرد و عملشان را شرک دانست» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۳۶۷/۳۶).

مؤمنان و مشرکان در اصل ایمان به خداوند مشترک بودند؛ یعنی ربوبیت الهی را می پذیرفتند اما در حدود ربوبیت و برخی شئون ربوبی دچار شرک بودند. به عبارتی فرق مشرک و مؤمن در نگاه توحیدی و عدم آن بود. مشرک برای غیر خداوند تأثیر در عالم هر چند جزئی قائل بود و این امر او را مجاز می کرد که به عبادت آن اغیار اقدام کند. تبیین استاد از این حقیقت این گونه است؛ «قبلاً گذشت که در محیط نزول قرآن نوع مردم اعتقاد به ربوبیت خدای سبحان داشتند؛ «و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله» (۱) لیکن در کنار آن برای بت‌ها نیز به عنوان واسطه و شفیع در بخش‌های جزئی عالم، ربوبیت قائل بودند، به همین جهت نوع آیات توحید در رد این پندار است نه در اثبات اصل ذات واجب‌الوجود یا توحید ذات یا در اصل خالق بودن خدا، یا ربّ الأرباب بودن او...» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸: ۱۰۵/۲).

۲-۲. اشکالات وهابیت مربوط به توحید الوهی

در مورد توحید الوهی نیز اشکالات وهابیت چندین مورد است. وهابیت در تعریف حقیقی عبادت و رابطه توحید ربوبی و توحید الوهی از منظومه فکری اسلامی خارج و برخلاف دیگر مسلمانان توحید را به نوعی انحرافی تبیین می کند. این چند مورد را بررسی می کنیم.

۱. تعریف عبادت:

بیان شد که وهابیت در تعریف عبادت صرف خضوع و خضوع را کافی می‌دانست و آن را معیار تشخیص عبادت از غیر عبادت بیان می‌کرد. این در حالی است که علامه آن را به شکل دیگری بیان می‌کند در اندیشه ایشان خشوع باید با قید اعتقادی همراه شود. لذا عبادت، انجام دادن عملی خاضعانه برای خدا با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت اوست و شیوه این عبادت هم از وی گرفته می‌شود. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ الف: ۱۴۷) بر این اساس است که اعمالی سرتاسر خضوع را می‌توان عبادی ندانست. تفسیر علامه در این باره با تفسیر وهابیت متفاوت است بنابراین بر اساس تعریف دقیق علامه از عبادت این گونه است که خضوع همراه با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت، عبادت است (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۳۱۱/۳) و اشکالات وهابیت در مورد سجده نیز این گونه پاسخ داده می‌شود که چون اعتقاد به ربوبیت مسجود همیشگی نیست پس سجده هم همیشه عبادت نیست در حقیقت چنین معنایی در حقیقت سجده، مأخوذ نیست. از این رو سجده ذاتاً عبادت نخواهد بود. ب: سجده فرشتگان برای آدم نه به عنوان طاعت از او بود و نه به عنوان عبادت وی، بلکه فقط به عنوان اطاعت از خدا و عبادت او بود، گرچه نسبت به آدم تکریم و تعظیم بود» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۳۱۱/۳).

۲. رابطه توحید الوهی و ربوبی

یکی از مهم‌ترین نقدها به اندیشه وهابیت مربوط به تقریر علامه از ارتباط بین توحید الوهی و ربوبی است. تقریر ایشان که از ابداعات در فهم توحید و اثبات توحید به حساب می‌آید بر وساطت مفاهیم توحیدی بر یکدیگر مترتب است. ایشان معتقدند که مفهوم خالقیت که امری فطری است حد وسط برای اثبات ربوبیت و توحید ربوبی است؛ و توحید ربوبیت واسطه در اثبات توحید الوهی است. بر این اساس بین این سه مفهوم برهان آئی وجود دارد؛ یعنی از موحد بودن خالق هستی، به لازمه آن یعنی تنها بودن مدبر و رب پی می‌بریم؛ و از تنها بودن رب به تنها بودن معبود می‌رسیم.

در اندیشه شیعه توحید الوهی لازمه توحید ربوبی است. کسی که قائل به توحید

ربوبی است، قطعاً فقط خداوند را عبادت می‌کند و توحید الوهی دارد (مصباح یزدی محمدتقی، (۱۳۸۵): ۳۳/۱) و از آنجا که تخلف لازم از ملزوم امری ناممکن است، سخن وهابیت مبنی بر تخلف مشرکین از توحید الوهی علیرغم توحید ربوبی ناصواب و مخدوش می‌شود. علامه آملی می‌نویسد: «آفرینش آسمان و زمین، نازل کردن باران، بیرون آوردن میوه‌ها، رام کردن کشتی‌ها در دریا، تسخیر نهرها، مهر و ماه و شب و روز برای انسان، از نشانه‌های توحید ربوبی‌اند و بر همین اساس، همه این نشانه‌ها در آیات مورد بحث، وصف «الله» قرار گرفته‌اند: «اللَّهُ الَّذِي... وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ» بنابراین هر یک از ده نشانه الهی در این آیات می‌تواند حد وسط برهان توحید ربوبی و الوهی قرار گیرد، چون ربوبیت لازم خالقیت و الوهیت (معبود بودن) لازم ربوبیت است» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۶۹/۴۴).

استاد علامه در ذیل آیه شریفه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره / ۲۲) درباره نسبت بین این سه مفهوم توحیدی اینگونه توضیح داده‌اند. «آیه مورد بحث و آیه قبل توحید عبادی و توحید ربوبی و توحید خالقی خداوند است. این آیات برای مؤمنان که معتقد به این عقایدند، ولی گاهی در توجه به آن کوتاهی می‌کنند «موعظه» و برای مشرکان که منکر توحید ربوبی و دچار شرک عبادی هستند، گرچه توحید خالقی را می‌پذیرند، «جدال أحسن» و برای ملحدان (منکران خداوند) «برهان» است؛ زیرا ملحدان پس از دقت در معنای آیات مذکور ناچار به تصدیق خالقیت خداوند هستند و در پی آن باید به ربوبیت مطلق خالق اعتراف و تنها او را عبادت کنند. مفاد این دو آیه گرچه برهانی است بر توحید ربوبی؛ زیرا مخاطبان اولی آن، گروهی بودند که نسبت به اصل وجود خالق تردیدی نداشتند، لیکن این گونه براهین با تقریب خاص خود می‌تواند دلیل متقن برای اثبات اصل خالق نیز باشد» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۴۰۳/۲).

در منظومه فکری علامه جوادی آملی عبادت به عنوان یک دستور عملی مرتب بر یک فهم واقعی از هستی است. فهم این که هیچ وجودی غیر از الله رب و مدبر این جهان نیست.

ایشان در ذیل آیه شریفه «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (یونس/۳) می‌نویسد «شفیعان نیز بی‌اذن او بی‌اثرند و نمی‌توانند عجز و جهل شما را جبران کنند، پس تنها در برابر خدا خاضع و مطیع باشید: «فَاعْبُدُوهُ» یعنی یک «باید» (عبادت و عبودیت) را بر یک «هست» (ربوبیت خدا) مترتب کرده است.» (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۵/۳۶)

نتیجه‌گیری

وهابیان با تأکید بر اصل توحید، بعضی از اعمال پیروان سایر فرقه‌های اسلامی را موردنقد قرار داده‌اند و اعمال آنان را مصداق شرک دانسته‌اند. در مقابل، متفکران مسلمانی که اعمال آنان توسط وهابیان شرک محسوب شده است، در آثار متعددی و به روش‌های مختلفی از اعتقادات خود دفاع کرده‌اند. گرچه در بیشتر این آثار به نقد مصادیق و اعمالی که از نظر وهابیان با توحید ناسازگار است یا نقد جریان شناسی این فرقه پرداخته شده است؛ اما بهترین روش باید بر نقد محوریت اندیشه وهابیت مبتنی باشد که تفسیر آنان از توحید ربوبی و توحید الوهی و مفهوم عبادت است؛ این روش در آثار استاد جوادی آملی، مطرح شده است. در واقع ایشان از نقض کبرای استدلال وهابیت؛ یعنی مبانی تفکر آنان به نقض مصادیقی که از نظر آنان شرک است، پرداخته‌اند که این روش را می‌توان نقد لمی دانست. بر اساس آنچه بیان شد، علامه جوادی آملی بر مبنای قرآن، اشکالات وارد بر اصل اندیشه وهابیت در عدم تشخیص معیار توحید و شرک، تعریف نادرست از توحید ربوبی و توحید الوهی و مفهوم عبادت را تبیین کرده‌اند و در نهایت تعاریف آنان در این زمینه را با توحید ناسازگار دانسته‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

- ابن عابدين الدمشقى، محمد أمين، (١٤١٥)، *رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار*، وزارة الأوقاف، كويت.
- أبى بطين عبد الله بن عبد الرحمن، (١٤١٢)، *رسائل وفتاوى أبى بطين*، دار العاصمة، الرياض، سعودى،
- امين، سيد محسن، (١٣٨٢) *كشف الارتباب*، دارالكتب الاسلاميه، قم.
- آل الشيخ، عبدالطيف، (١٤٢٤)، *مصباح الطلاب فى الرد على من كذب الشيخ الإمام ونسبه إلى تكفير أهل الايمان والاسلام*، وزارت اوقاف ارشاد و دعوت، رياض.
- بن باز، عبدالعزيز؛ عثيمين، محمد بن صالح، (١٤١٣) *فتاوى مهمه لعموم الأمة*، دارالعاصمه الرياض.
- بن عبد الوهاب، محمد، (١٣٩٦)، *موسوعه مؤلفات الإمام محمد بن عبد الوهاب*، دانشگاه محمد بن سعود، رياض.
- بن عبد الوهاب، محمد، (بيتا الف)، *الرسائل الشخصيه*، دانشگاه محمد بن سعود، رياض.
- بن عبد الوهاب، محمد، (بيتا ب)، *خمسون سؤالاً و جواباً فى العقيد، موقع المشكاه.*
- بن فوزان، صالح، (١٤٢٢)، *الملخص فى شرح كتاب التوحيد*، دار العاصمة، الرياض.
- التميمي، عبد الرحمن بن عبد الوهاب، (١٤١٢)، *رسائل وفتاوى عبد الرحمن*، دار العاصمة، الرياض.
- جوادى آملی عبدالله، (١٣٨٨)، *تفسير موضوعى قرآن*، مركز نشر اسراء.
- جوادى آملی عبدالله، (١٣٩٢)، *شميم ولايت*، مركز نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٧٨)، *بنيان مرصوص امام*، قم، مركز بين المللى نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٨٧ الف)، *تفسير تسنيم*، مركز نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٨٧ ب)، *سروش هدايت*، مركز بين المللى نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٩١)، *آفاق اندیشه*، مركز بين المللى نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٩٤ الف)، *حقيقت و تأثير اعجاز*، مركز نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٩٤ ب)، *بر بال اعتكاف*، مركز نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله، (١٣٩٩)، *ادب فنای مقربان*، قم، مركز بين المللى نشر اسراء.
- الدويش أحمد بن عبد الرزاق، (١٤١٤)، *فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلميه والإفتاء*، الرئاسة العامة للبحوث العلميه والإفتاء، سعودى.

- سبحانى، جعفر، (١٣٨٤)، *بحوث قرآنية فى التوحيد و الشرك*، مؤسسه الامام صادق، قم
- صاوى، احمد بن محمد، (١٤٢٧ ق). *حاشية الصاوى على تفسير الجلالين*، منشورات محمد على بيضون الكتب العلمية، بيروت - لبنان
- عثيمين، محمد بن صالح، (١٤١٣)، *مجموع فتاوى ورسائل*، دار الوطن - دار الثريا، رياض.
- عثيمين، محمد بن صالح، (١٤٢٤ الف) *فتاوى أركان الإسلام*، دار الثريا للنشر والتوزيع، الرياض.
- عثيمين، محمد بن صالح، (١٤٢٤ ب) *القول المفيد على كتاب التوحيد*، دار ابن الجوزى، رياض.
- محمد امان جامى، (١٤١٦)، *الصفات الإلهية فى الكتاب والسنة النبوية فى ضوء الإثبات والتنزيه*، الدار العالمية، رياض.
- محمد بن عبد الوهاب، (١٤٠١) *أصول الدين الإسلامى مع قواعده الأربع*، دار الحديث الخيرية، مكة المكرمة.
- مشكور محمد جواد، (١٣٨٧) *بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى*.
- مصباح يزدى محمد تقى، (١٣٨٥). *خداشناسى (معارف قرآن ١)*، مؤسسه امام خمينى، قم.
- مغنيه، محمد جواد، هذه هى الوهابية، (١٤٠٨)، *منظمة الاعلام الاسلامى*، تهران.
- يافعى عبدالفتاح بن صالح قديش، (١٣٤١) *التجسيم و المجسمه و حقيقة عقيدة السلف فى الصفات الإلهية*، مؤسسه الرساله، بيروت.

References [In Persian & Arabic]

- Al al-Sheikh, Abdul Latif, (2003), *Misbah al-Damafi fi al-ardar ali man kabz Sheikh al-Imam and its relation to the takfir of the people of faith and Islam*, Ministry of Awqaf Guidance and Da'wah, Riyadh. [In Arabic]
- Al-Tamimi, Abd al-Rahman ibn Abd al-Wahhab, (1991), *Abd al-Rahman's letters and fatwas*, Dar al-Dasha, Riyadh. [In Arabic]
- Amin, Seyyed Mohsen, (2012) *Kashf al-Artiyab*, Dar al-Kitab al-Islamiya, Qom. [In Persian]
- Al-Dawish Ahmed bin Abd al-Razzaq, (1993), *Fatwas of the Al-Makhri al-Daameh Committee for Scientific Research and Fata*, General Presidency for Scientific Research and Fata, Saudi. [In Arabic]
- Abi Batin Abdullah bin Abd al-Rahman, (1991), *Letters and Fatwas of Abi Batin*, Dar al-Dasha, Riyadh, Saudi. [In Arabic]
- Ben Baz, Abdul Aziz; Uthaymeen, Muhammad bin Saleh, (1992) *Important fatwa for the whole nation*, Dar al-A'sema al-Riyadh. [In Persian]
- Bin Abd al-Wahhab, Muhammad, (N.D.), *Al-Rashah Al-Rashah*,

- Muhammad Bin Saud University, Riyadh. [In Arabic]
- Bin Fuzan, Salih, (2001), *al-Makhsh fi Sharh Kitab al-Tawheed*, Dar al-Dasha, Al-Riyadh. [In Arabic]
- Ibn Abedin al-Damashqi, Muhammad Amin, (1994), *Rad al-Muhthar Ali al-Dur al-Mukhtar, Commentary on Tanweer al-Absaar*, Ministry of Awqaf, Kuwait. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Wahhab, Muhammad, (N.D.), *Khamsun with questions and answers in al-Ageedah*, when in doubt. [In Persian]
- Ibn Abd al-Wahhab, Muhammad, (2016), *Encyclopaedia of the Authors of Imam Muhammad Ibn Abd al-Wahhab*, Muhammad Ibn Saud University, Riyadh. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah, (2008), *Tafsir Tasnim*, Isra Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah, (2008), *Soroush Hedayat*, Isra International Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah, (2019), *Adab Fanai Moqraban*, Qom, Isra International Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah, (1999), *Marsoos Imam Foundation*, Qom, Isra International Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah, (2012), *Afaq Andisheh*, Isra International Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdallah, (2014), *The Truth and the Effect of Miracles*, Isra Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdallah, (2014), *Bar Bal Itikaf*, Esra Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli Abdullah, (2009), *Thematic Tafsir of the Qur'an*, Isra Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli Abdullah, (2012), *Shamim Velayat*, Isra Publishing Center. [In Persian]
- Mashkoor Mohammad Javad, (2007) *Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation*. [In Persian]
- Muhammad bin Abd al-Wahhab, (2021) *Asul al-Din al-Islami with Qa'aa'ah al-Arba, Dar al-Hadith al-Khairiya*, Makkah al-Mukarmah. [In Arabic]
- Mohammad Aman Jami, (1995), *The Divine Attributes in the Book and the Sunnah of the Prophet in the light of proof and revision*, Eldar International, Riyadh. [In Arabic]
- Mughniyeh, Mohammad Javad, This is the Wahhabiyyah, (1987), *Organization of Islamic Information*, Tehran. [In Persian]
- Mesbah Yazdi Mohammad Taghi, (2006). *Theology (Quran 1)*, Imam Khomeini Institute, Qom.
- Sawi, Ahmad bin Muhammad, (2006). *Hashiya al-Sawi Ali Tafsir al-Jalalin*,

- Muhammad Ali Beizun al-Katb al-Elamiya pamphlets, Beirut-Lebanon. [In Arabic]
- Sobhani, Jafar, (2005), *Qur'anic researches on monotheism and polytheism*, Imam Sadiq Institute, Qom. [In Persian]
- Uthaymeen, Muhammad bin Saleh, (2003) *Fatwa Arkan al-Islam Dar al-Tharia for publication and distribution*, Riyadh. [In Arabic]
- Uthaymeen, Muhammad bin Saleh, (1992), *the collection of fatwas and verses*, Dar Al-Watan - Dar Al-Tharia, Riyadh. [In Arabic]
- Uthaymeen, Muhammad bin Saleh, (2003) *Qul al-Mufid Ali Kitab al-Tawheed*, Dar Ibn al-Jawzi, Riyadh. [In Arabic]
- Yafi Abd al-Fattah bin Saleh Qadish, (1962) *Al-Tajsim and al-Majjam and the truth of the belief of the Salaf in the Divine Attributes*, Al-Rasalah Institute, Beirut. [In Arabic]

استناد به این مقاله: زندى، مهدى. (۱۴۰۲). بررسى ابعاد توحيد نزد وهابيت و شيعه در بستر اندیشه‌هاى قرآنى علامه جوادى آملی. پژوهشنامه کلام تطبیقى شيعه، ۴ (۷)، ۲۸۳-۳۰۳. DOI: 10.22054/jcst.2024.77447.1145



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.